

عقود ناظر بر نیروی کار در فقه و مقایسه آن با قرارداد کار در قانون کار

دکتر محمد جواد سلیمانپور - عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

قسمت مهمی از عقود و قراردادهای نظام اقتصاد اسلامی که در فقه مطرح شده است، ناظر بر نیروی کار انسانی می باشد. این عقود بر اساس نوع کار، شرایط و عناصر، و الفاظ دخیل در انعقاد آن از یکدیگر متمایز می گردند اگر چه همگی دارای جهت گیری یکسان بوده و از یک سری شرایط اساسی و قواعد حاکم بر معاملات در اسلام پیروی می کنند و اساس انعقاد آنها و تعیین شرایط ضمنی در آنها، اراده آزاد و مطلق طرفین فرض شده است.

در راستای تحولات و پیچیدگی روابط کار که ناشی از تحولات صنعتی، کشاورزی و معیشتی و خدمات می باشد؛ حکومتها در انعقاد و شرایط قرارداد کار نیروی انسانی با وضع قانون کار دخالت کرده اند و اساس آنرا عقد مستقلی بنام قرارداد کار قرار داده اند که بنظر می رسد بر اساس اراده آزاد طرفین آن پدید نمی آید و با عقود معینه ناظر بر نیروی کار در فقه مانند عقد مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله، بیع، وکالت، صلح و اجاره تفاوت ماهوی دارد.

در عین حال برخی اعتقاد داشته و دارند که قرارداد کار در هر موردی منطبق بر یکی از عقود معینه فقهی خصوصاً عقد اجاره هست و قانون کار نیز نباید بر اساس آن تدوین و تنظیم گردد و حتی برخی بر این باورند که آنچه در قوانین کار آمده هست با یکی از عقود معینه خصوصاً عقد اجاره منطبق می باشد.

اختلاف نظر در ماهیت قرارداد کار و تطابق یا عدم تطابق آن با عقود معینه در فقه اسلام، در نظام جمهوری اسلامی بین شورای نگهبان و برخی از اهل فن یا

مجلس شورای اسلامی و برخی از مسئولین اجرائی و حقوق‌دانها موجب اختلاف وقفه ۹ ساله در تدوین و تصویب قانون کار جمهوری اسلامی گردید که هم اکنون که ۹ سال از تصویب و اجرای آن گذشته است برخی بر این باورند که اشکالات ناشی در روابط کار ناشی از پیروی نکردن قانون کار از عقد اجاره می‌باشد و یا حداقل اصرار می‌ورزند که کارگاههای کمتر از ۳ نفر از شمول قانون کار خارج گردد و روابط کار در آن کارگاهها بر اساس عقد اجاره یا عقود دیگر مطرح در فقه تنظیم گردد.

در مقاله حاضر طی ۶ مبحث ضمن بیان عقود ناظر بر نیروی کار در فقه و عناصر اساسی هر یک از آنها به بررسی تطبیقی آنها با قرارداد کار پرداخته شده است.

در مبحث اول عقد مضاربه، مزارعه و مساقات و در مبحث دوم عقد جماله و سپس عقد بیع و در مبحث چهارم و پنجم عقد وکالت و صلح را مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و با تبیین و مقایسه عناصر اصلی متشکله و مقتضیات این عقود، روشن شده است که با قرارداد کار تفاوت ماهوی دارند و بالاخره در مبحث ششم به بررسی و مقارنه عقد اجاره که نظر مخالفین مستقل بودن قرارداد کار بیشتر معطوف بدان می‌باشد؛ پرداخته‌ایم و با پرداختن به عناصر متشکله آن و مقایسه با عناصر متشکله قرارداد کار؛ تفاوت ماهوی بین این دو عقد را مورد اشاره قرار داده‌ایم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی